

مروری بر مراسم قالی شویان

سیداحسان آزادبخش^۱

وضعیت شهر کاشان در هفته اول مهر ماه خاص است. کافی است در این ایام به بازار مسگرها بویژه محله فیینی‌ها، سری بزنید. اگر گذرتان به بازار مسگرها افتاد، از اینکه کرکره مغازه‌ها پایین کشیده شده و کاسیان به جای فروش اجناس به رهگذران آب می‌پاشند آن را مقدمه‌ای برای آغاز این مراسم بدانید، هرچند این مراسم قدمتش از مراسم قالی شویان بیشتر است، پس تعطیلی بازار را به حساب شهادت حضرت سلطان علی بن امام محمدباقر(ع) بگذارید. فلسفه مراسم قالی شویان نیز متعلق است به چگونگی شهادت حضرت سلطان علی بن امام محمد باقر(ع). این مراسم به مناسبت سالروز شهادت ایشان در دومین جمعه مهر ماه هر سال برگزار می‌گردد.

۱. آقای سیداحسان آزادبخش از یاران دیرین و سخت‌کوش واحد فرهنگ مردم در کاشان هستند که از سال ۱۳۴۱ همکاری خود را با فرهنگ مردم و با نظارت آقای انجوی شیرازی آغاز کردند. از آن روزها تاکنون آقای آزادبخش با تلاش و پی‌گیری مثال‌زدنی همواره در گردآوری آداب و رسوم این مرز و بوم کوشیده‌اند و آنچه شما می‌خوانید گزارش ایشان است از مراسم قالی شویان که خود نیز به مدت ۴۰ سال از چوب‌به‌دستان این مراسم می‌باشند و شرکت در برگزاری مراسمی که سمبل کمک و یاری رساندن به خاندان عصمت و طهارت است جزء افتخارات ایشان محسوب می‌شود. این مقاله توسط سرکار خانم شایسته بهرامی سامانی تنظیم شده است.

هنوز برای رسیدن به مراسم قالی‌شویان زود است، بنابراین قدری در کوچه پس کوچه‌های کاشان قدم بزنید و با اردهال آشنا شوید:

موقعیت جغرافیایی مشهد اردهال

مشهد اردهال یکی از آبادی‌های اردهال در بخش نیاسر شهرستان کاشان در استان اصفهان به شمار می‌رود که در فاصله ۴۹ کیلومتری غرب کاشان در مسیر شهر نراق و روستای نشلج و بخش نیاسر واقع شده است.

این آبادی در دره و دشتی قرار گرفته که از شمال غرب تا جنوب شرق کشیده شده است. چهار سوی دشت را کوه و تپه‌های بلند و کوتاه قرار گرفته‌اند. اردهال از آب نهری که به سوی پایین دشت و دره روان است و آب چند رشته قنات و چشمه پراکنده مشروب می‌شود. آب نهر اردهال در چند کیلومتری زیر دهستان به رودخانه برزک می‌ریزد. امروزه، آب بیشتر این قنات‌ها و چشمه‌ها به سبب خشک‌سالی‌های پیاپی کم یا خشک شده است. دهستان مشهد اردهال دارای ۷ پارچه آبادی به نام‌های خاوه، کره‌جار، غیاث‌آباد، جوشق، کرمه، لارون و ریحان است.

اردهال به سبب کوهستانی بودنش زمستان‌هایی بسیار سرد و تابستان‌هایی نسبتاً ملایم و خنک‌تر از پیرامون خود دارد، از این رو، این دهستان ییلاق مردم کاشان، بخصوص مردم فین کاشان بوده است. (بلوکباشی، ۱۳۸۰: ۷-۸)

بیشتر مردم اردهال زارع و باغدارند، محصول عمده زراعی آنها گندم و جو و محصول صیفی‌شان هندوانه و خیار است. میوه باغی اردهالی‌ها از نوع میوه سردسیری مانند گردو، زردآلو، بادام و قیسی است. مهم‌ترین صنعت دستی مردم اردهال قالی‌بافی است، قالی اردهالی شهرت خاصی دارد و می‌گویند قالی اردهال هرچه شسته شود، نونوار (= نونوا) تر است. (همان: ۸)

اردهال



اردهالی‌ها، اردهال را سرزمین پاک و مقدس می‌دانند و این تقدس به دلیل اتفاقاتی است که در طول زمان در دل کوه‌های درهم پیوسته این دیار به وقوع پیوسته است. این بلندی‌ها از دیرباز محل نیایشگاه‌ها و آتشکده‌ها بوده که مردم پیش از گرویدن به اسلام در آنها گرد

می‌آمدند و دعا و نیایش می‌کردند. به نظر می‌رسد وجود همین نیایشگاه‌های کوهستانی و باستانی و تاریخی باعث شده که کوه‌های این منطقه را [اردهار] یا [اردهال] بنامند چرا که (ارد) به معنی پاکی و تقدس و (هر) یا (هار) به معنی کوه و رشته کوه است و اردهال یعنی رشته کوه یا کوه مقدس.

وجه تسمیه مشهد قالی

مشهد اسم مکان و به معنی محل شهادت است. اردهال را به سبب شهادت حضرت سلطان علی، فرزند امام محمدباقر(ع) در آن «مشهد سلطان علی» یا «مشهد اردهال» و به سبب حرمت تخته‌ای قالی که پیکر امامزاده علی را روی آن قرار دادند و قالی را به جای پیکر او غسل دادند و شستند، «مشهد قالی» یا «مشهد قالی شورون» (قالی‌شوینان) می‌نامند. (همان: ۱۲)

چگونگی شهادت حضرت سلطان علی

مردم فین کاشان در سال ۱۱۳ هجری قمری، قاصدی را به نام عامر بن ناصر به مدینه نزد امام محمدباقر(ع) فرستادند و از ایشان برای تعلیم احکام و اصول دین و هدایت و ارشاد خود پیشوایی را درخواست کردند.

امام خواسته آنان را پذیرفتند و یکی از فرزندان خود را که علی نام داشت به ایران و نزد فینی‌ها فرستادند، امامزاده علی که در ایران به حضرت سلطان علی مشهور شد،

در فین به ارشاد و راهنمایی و تعلیم احکام و اصول دین پرداخت. چون در تابستان هوای کاشان بسیار گرم بود ایشان به اتفاق جمعیتی از دوستان خود به مشهد اردهال رفتند و فصل گرما را در دهکده خواه گذراندند به تدریج در مشهد اردهال نیز از نفوذ زیادی در بین مردم برخوردار شدند، نفوذ روزافزون امامزاده در مردم منطقه و افزایش محبین و علاقه‌مندان، حاکم وقت اردهال را که حارث ملقب به «زرین‌کفش بارکسفی» بود به ترس و وحشت انداخت به همین دلیل به دستور ازرق والی قم، تصمیم به کشتن حضرت سلطان علی گرفت.

به همین منظور زرین‌کفش با فریبکاری و چهره‌ای مزورانه امامزاده سلطان علی را به «باری کرسف» دعوت کرد. امامزاده سلطان علی نیز دعوت او را پذیرفت و به اتفاق گروهی از یاران و دوستانش به آنجا عزیمت کردند و در بین راه پای تپه‌ای، که اکنون مزار امامزاده سلطان علی در آن قرار دارد، خیمه‌های خود را برپا کردند. پس از چند روز در همین مکان امامزاده از افکار پلید زرین‌کفش آگاه شده، دستور برچیدن خیمه‌ها و فرمان بازگشت را داد. زرین‌کفش و سپاهیان در محلی به نام «دربند از ناوه» با امامزاده و یارانش روبرو شده و به آنها حمله کرد.



در این جنگ ده روزه که در اوایل مهرماه رخ داد یاران امامزاده سلطان علی بسیاری از افراد دشمن را از بین بردند. زرین‌کفش که خود را شکست خورده دید برای جبران

ناکامی و شکست خود حيله و مکر دیگری اندیشید و عده‌ای از زنان و دختران را، برهنه به میدان جنگ فرستاد به همین دلیل امامزاده سلطان علی عقب‌نشینی کرد و در پناه سنگی به نماز و دعا پرداخت.

در این هنگام زرین‌کفش و سپاهش از فرصت به دست آمده، استفاده کرده و به امامزاده و یارانش حمله کرده و آنان را به شهادت رساندند.

خبر شهادت حضرت سلطانعلی بن امام محمدباقر(ع) که به کاشان و محله فین کاشان رسید مردم فین کاشان چوب و چماق به دست به راه افتادند و به اردهال رسیدند و دشمنان آن حضرت را نابود کردند و خود را بر سر پیکر پاره پاره امامزاده سلطان علی رساندند و پیکر پاک او را در قالیچه‌ای که آن حضرت بر روی آن به نماز می‌ایستاد پیچیدند. در چگونگی غسل و خاک‌سپاری امامزاده سلطان علی دو روایت در میان مردم وجود دارد:

به روایتی فینی‌ها پیکر امامزاده را بر روی تخته قالی می‌گذارند و به سر جوی آبی که اکنون به نهر شازده حسین معروف است، می‌برند و غسل می‌دهند. بعد هم پیکر او را تا سر تپه کنونی تشییع می‌کنند و در آنجا به خواه‌ای‌ها می‌دهند تا به خاکش بسپارند. به روایتی دیگر، چون پیکر امامزاده پاره پاره و بی‌سر و خونین بود، او را بی‌آنکه غسل بدهند روی قالی می‌گذارند و به سر تپه می‌برند و به خاک می‌سپارند. بعد قالی آغشته به خون امامزاده شهید را با آب جوی می‌شویند. (همان: ۲۷)

فینی‌های دلسوخته و داغدار، پس از خاک‌سپاری، به خونخواهی شهیدان دشت اردهال برخاستند و با همان چوب‌ها و چماق‌ها و بیل‌های خود به تعقیب زرین‌کفش و قاتلان امامزاده و شهیدان دیگر پرداختند و با کشتن بسیاری از آنها کین‌خواهی کردند.

پس از این واقعه، فینی‌ها با خود عهد بستند که تا دار قیامت، هر سال یک بار در سیزدهم پاییز (مهرماه) یا در دومین جمعه پاییز که مقارن با روز خاک‌سپاری شهید اردهال است به زیارتش به مشهد اردهال بیایند و یاد واقعه شهادت و مراسم خاک‌سپاری او را در سالگرد شهادتش با مراسم قالی‌شوینان زنده نگه دارند. (همان: ۲۰)

مقدمات مراسم

یک هفته قبل از مراسم قالی شویان، در اولین جمعه پاییز و ماه مهر، مراسم جار در شهرهای فین و کاشان، اجرا می‌شود، اهالی فین و کاشان این جمعه را «جمعه جار» می‌نامند.

در این روز علاوه بر اطلاع‌رسانی، مردم را برای اجرای مراسم قالی شویی در مشهد اردهال، دعوت می‌کنند، برای اجرای مراسم «جار» شب اولین جمعه و صبح جمعه جارچی‌ها در کاشان قدم می‌زنند و با بانگ بلند و آواز مخصوصی مردم را از مراسم هفته آینده مطلع می‌سازند:

«آهای آهای! مردم فین از مرد و زن، کوچک و بزرگ، همه بشنوید؛ حتی بچه‌های هشت ساله. باید روز جمعه در مشهد قالی در صحن حضرت سلطان علی معروف به صحن سردار کاشی، جمع شوید و چوب‌های خود را همراه داشته باشید. آهای، آهای!» (روح‌الامینی، ۱۳۸۷: ۱۷۰)

فینی‌ها آیین جار را در مساجد فین نیز اجرا می‌کنند و در کاشان در محلی به نام پانخل در ابتدای بازار بزرگ کاشان با خواندن اشعار مذهبی به صورت دسته‌جمعی، مردم را به شرکت در این مراسم فرا می‌خوانند.

تعیین «جمعه جار» و «روز قالی شویی» بر عهده ریش سفیدان، معتمدان و بزرگان شهر فین است. چون این مراسم بر طبق تقویم شمسی، برگزار می‌گردد. اگر روز قالی شویی با روزهای سوگواری مذهبی (تاسوعا، عاشورا و...) یا با روزهای جشن مذهبی، مانند (عید مبعث، ۱۳ رجب و...) تداخل داشته باشد، مراسم قالی شویی را به یک هفته قبل یا یک هفته بعد موکول می‌کنند، البته باید این برنامه حتماً از اول تا ۱۷ مهرماه برگزار شود، بنابراین تغییرات برنامه را با توجه به این مطلب در نظر می‌گیرند.

بازار مشهد اردهال

پس از جارکشیدن در مساجد، حسینیه‌ها، گذرگاه‌ها و بازارها کاسب‌ها و دکان‌دارها، از چند روز پیش برای تهیه جا و عرضه کالا به محل می‌روند. فروشندگان فرآورده‌های

کشاورزی، صنعتگران محلی خود را برای «جمعه قالی» آماده می‌کنند. زیرا پاییز زمان استراحت و خریدن و انبار کردن نیازمندی‌ها است. (همان: ۱۷۱)

از این رو هم زمان با هفته زیارت حضرت سلطانه‌علی (ع) از جمعه قالی تا هفته قالی بازاری کنار بقعه مبارک امامزاده برپا می‌شود. این بازار حدود هشت تا ده روز پس از مراسم قالی شویان ادامه دارد.

صاحبان حرفه‌های مختلف، کالاها و اجناس دست‌ساز داخلی، انواع خوراکی‌ها و آجیل را به مردم و زائران عرضه می‌کنند. این بازار رنگ و بوی محلی و روستایی دارد. نوع جنس کالاها، طرز چیدن و عرضه کردن آنها، شیوه داد و ستد و مبادله، همه و همه متناسب با فرهنگ جامعه روستایی حاشیه کویر و مطابق با ذوق و سلیقه متنوع زائران اردهالی و فین و کاشان می‌باشد.

مردم فین و کاشان معتقدند که خرید لوازم و اسباب خانه در مشهد اردهال در کنار بقعه حضرت سلطانه‌علی علی بن امام محمدباقر (ع) باعث خیر و برکت می‌شود. در کنار این بازار دسته‌های شبیه‌خوان، تعزیه‌خوانی می‌کنند و شهادت حضرت ابا عبدالله الحسین و برادر گرامیشان حضرت ابوالفضل العباس و شهادت سلطانه‌علی بن امام محمدباقر (ع) را یادآوری می‌کنند.

روز قالی شویان و آداب آن

در دومین جمعه پاییز که روز قالی شویان است، تعداد زیادی از هموطنان از شهرهای مختلف ایران برای تماشای مراسم قالی شویان به مشهد اردهال می‌آیند. هر ساله نزدیک به یکصد هزار گردشگر و مسافر از سراسر ایران برای حضور در مراسم قالی شویان و دیدن این مراسم منحصر به فرد به مشهد اردهال سفر می‌کنند. لازم به ذکر است برگزاری این مراسم با آداب خاص خود ویژه مردم فین است. بنابراین از ورود به دیگران برای شرکت در مراسم ویژه که با چوبدستی همراه است، جلوگیری می‌کنند و بقیه فقط به تماشا و همراهی در عزاداری این مراسم می‌پردازند.

صبح دومین جمعه مهرماه، مردان و بویژه جوانان فین غالباً پیراهن سیاه می پوشند و در حالی که چوبدستی های پرنقش و نگار^۱ خود را در دست می گیرند، در کنار چشمه آبی که در کنار بقعه شاهزاده حسین قرار دارد و محل شستن قالی است، گردهم می آیند.

پس از آنکه اجراکنندگان مراسم که همه از اهالی فین هستند، در صحن امامزاده حسین و در کنار چشمه آب نزدیک بقعه جمع می شوند، در حالی که چوبدستی هایشان را بالای سر خود و در دعوا تکان می دهند، «یا حسین، یا حسین» گویان به سمت امامزاده سلطانعلی حرکت می کنند، با ورود به صحن، مراسم رسمی شروع می شود. با رسیدن دسته فینی ها به صحن امامزاده سلطانعلی برخی مسئولین، بزرگان، ریش سفیدان، معتمدان محلی و هیات امنای امامزاده به استقبال آنها می روند، فینی ها دم گرفته و چنین می خوانند:

یا حضرت سلطانعلی امام محمدباقر سلام علیکم

از فین کاشان برایت فدایی آمده سلام علیکم

باغ را، باد صبا، خوش خبر رنگین داد

مژده آمدن یاسمن و نسرين داد

لله الحمد که نوباره باغ باقر

کرد پرنور دگر کلبه درویشان را

تبارک الله از این اختر خجسته که گشت

ز نور طلعت او بفرج قلب نورانی

سپس همه آرام می گیرند و روحانی و خطیب در مناقب و فضایل امامزاده سخنرانی می کند و در رثای امامزاده سلطانعلی و حضرت سیدالشهدا روضه خوانی می کند. پس بزرگان و معتمدان روستای خاوه^۲ بنابر یک رسم و سنت قدیمی و طی مراسمی خاص

۱. قدمت برخی از چوبدستی ها به صدها سال برمی گردد و معمولاً چوبدستی ها در یک خانواده فینی نسل به نسل و دست به دست در مراسم قالی شویان گردانده می شود.

۲. روستایی در نزدیکی مشهد اردهال

قالی دست‌باف و مقدسی را طبق آیینی که نمادی از پیکر پاک حضرت سلطانه‌علی (ع) است، به ریش سفیدان و بزرگان فین تحویل می‌دهند (می‌سپارند).



مردم و چوب‌به‌دستان فینی با دیدن قالی به شور و هیجان می‌آیند و «یا حسین، یا حسین» گویان به طرف بزرگان فین حرکت می‌کنند، جوانانی که چوب در دست ندارند پیش می‌آیند و قالی را از بزرگان تحویل می‌گیرند و در حالی که گاهی قالی را بر دوش و گاهی بر روی دست دارند در میان جمعیت مردان چوب به دست، از میان تماشاگران و ناظران و عزاداران می‌گذرند و با همان شو و اشتیاق و هیجان و هروله‌کنان و دوان‌دوان قالی را به کنار چشمه آب در کنار بقعه شاهزاده حسین می‌برند. فینی‌ها قالی لوله شده را در پناه چوبدستی‌های خود در حالی که علم و کتل‌های هیأت عزاداری پیشاپیش در حرکت است، به سوی چشمه می‌برند. پیشاپیش حاملان قالی، اسب سواری حرکت می‌کند که جانمازی را با خود حمل می‌کند، مردم این جانماز را نمادی از عبادت و نماز امامزاده سلطانه‌علی (ع) می‌دانند البته این کار نیز از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود و هر شخصی نمی‌تواند حامل جانماز باشد اکنون مردم بر این اعتقادند که این شخص از نوادگان جانمازدار امامزاده سلطانه‌علی (ع) است که از آن پس این وظیفه

در میان فرزندان او به دیگری واگذار شده است. پشت سر حامل جانماز، گروهی از اهالی روستای خاوه علم سبزی را بر دست گرفته و حمل می‌کنند و سپس چوب‌به‌دست‌ها و قالی‌بردوش‌ها از پشت سر علم حرکت می‌کنند و در حالی که چوبدستی‌هایشان را در هوا و بالای سرشان تکان می‌دهند «فریاد یا حسین» و «الله اکبر» سر می‌دهند و با تکان دادن چوبدستی در هوا به نبردی نمادین با قاتل امامزاده سلطانعلی می‌پردازند.

در طول مسیر و در راه رسیدن به چشمه، افرادی که نذوراتی دارند، گاو یا گوسفند قربانی خود را در جلوی پای این دسته ذبح می‌کنند، هرچه به چشمه نزدیک می‌شوند، مراسم به اوج خود نزدیک‌تر می‌شود، پس از گذر از مسیر، با رسیدن به چشمه، قالی در کنار چشمه بر زمین فرود می‌آید، جوانان قالی را که نمادی از پیکر پاک امامزاده سلطانعلی (ع) است، در کنار چشمه بر روی زمین می‌گذارند و دور آن حلقه می‌زنند و چوب‌به‌دستان چوب‌هایشان را بالای سر و در هوا تکان می‌دهند، پس دشمنان ائمه و اهل بیت و قاتلان امامزاده سلطانعلی را لعن و نفرین می‌کنند. وقتی مراسم «لعن‌خوانی» به پایان رسید، افرادی که چوب در دست دارند، سر چوبدستی‌های خود را در چشمه فرو می‌برند و بیرون می‌آورند بعد قطرات آبی را که بر سر چوب‌ها مانده است، بر روی قالی و ناظران و عزاداران می‌پاشند و بدین صورت آب چشمه را به نشانه تغسیل امامزاده بر روی آن می‌افشانند و قالی را که نمادی از امامزاده‌ی شهید است غسل می‌دهند. (در این مراسم در واقع قالی شسته نمی‌شود بلکه حرکتی نمادین از روزی است که مراسم تغسیل و تدفین حضرت سلطانعلی انجام گرفته و انجام این مراسم ادای عهد و پیمانی است که با خود بسته‌اند)

پس از انجام مراسم غسل و شست و شو، دوباره قالی را با شور و هیجان بردوش می‌گیرند و آماده بازگشت به حرم امامزاده می‌شوند، در مراسم بازگشت قالی به حرم امامزاده، عده‌ای پیشاپیش با حرکتی آرام و سوگوار نوحه می‌خوانند و سینه می‌زنند و

حاملان قالی و چوب‌به‌دستان همچنان به پیش می‌روند، در طول مسیر، چوب‌به‌دستان، همچن قبل چوبدستی‌های خود را در هوا تکان می‌دهند، قالی با چوب‌های نمناک و در پناه مردان چوب‌به‌دست باز می‌گردد. بر طبق سنت اهالی فین هیچ از زائران و ناظران، حق نزدیک شدن به قالی و دست زدن به آن را ولو به نیت تبرک، ندارند و در این میان اگر فردی به قالی نزدیک شود و به آن دست بزند فینی‌ها با چوبدستی‌های خود او را دور می‌کنند. (www.ghiasabadi.com/galishuyan.html) (پیش از ورود قالی به آرامگاه، چوب‌به‌دستان با دوییدن و تکان دادن چوب‌ها و فریاد و شعارهای مهیج، نبرد با «اشقیاء» قاتل امامزاده را دنبال می‌کند)

پس از رسیدن به امامزاده، وارد صحن سرداری می‌شوند، قالی را چند بار به دور حیاط صحن می‌گردانند و به ایوان سرداری می‌روند، در ایوان سرداری که روبه‌روی حرم مطهر قرار دارد، بزرگان و ریش‌سفیدان و معتمدان فین و خاوه که در انتظار رسیدن قالی ایستاده‌اند، برای دریافت قالی به سوی حاملان قالی و چوب به دست‌ها می‌روند، در این بین جوانان با تکان دادن چوبدستی‌هایشان مانع از نزدیک شدن آنها به قالی می‌شوند و از تحویل دادن قالی امتناع می‌کنند. رویارویی حاملان قالی و سپردن قالی به گروهی که باید آن را به درون امامزاده ببرند خود مراسم خاصی است که کشمکش‌ها و ازدحام و فشار و شور و هیجان فراوان، این لحظات را به دقایقی پرتب و تاب و حساس و پرهیجان مبدل نموده است که وصف این تلاش‌های دو سویه و مهمه‌ها و کش و قوس‌ها تنها با حلاوت دیدار کامل می‌گردد.

سرانجام پس از آن همه هیجان و تلاش و کشمکش، با فریادهای الله اکبر و نوای «حسین، حسین» معتمدان، ریش‌سفیدان و بزرگان فین، قالی را از آنان تحویل گرفته و به بزرگان و معتمدان و ریش‌سفیدان خاوه می‌سپارند.

آنان نیز با آداب و احترام تمام قالی را به خادمان حرم تحویل می‌دهند. این مراسم تقریباً تا بعدازظهر ادامه می‌یابد و با تحویل قالی به خادمان به پایان می‌رسد و

چوب‌های فینی‌ها تا مراسم سال آینده به انبار می‌رود. در انتهای مراسم زائران و ناظران برای زیارت امامزاده سلطانعلی (ع) به حرم می‌روند و پس از زیارت و عبادت هر یک به استراحتگاه خود می‌روند و آرام آرام صحن امامزاده از انبوه جمعیت کاسته می‌شود، تا غروب جمعه عده‌ای از زائران به شهرهای خود باز می‌گردند و گروهی نیز تا هفته دیگر در مشهد ارده‌ها می‌مانند.

هفته زیارت

با به پایان رسیدن روز قالی‌شویان و جمعه قالی، هفته زیارت آغاز می‌شود. در این هفته در صحن‌ها و حرم امامزاده مجالس سوگواری و عزاداری برپاست و تا فرارسیدن جمعه آینده که «جمعه نسلگی» یا «جمعه هفته قالی» نام دارد مردم به سینه‌زنی، عزاداری و روضه‌خوانی در مصیبت اهل بیت و سیدالشهدا (ع) و شهدای کربلا می‌پردازند.

جمعه نسلگی‌ها

جمعه بعد از جمعه قالی‌شویان، جمعه نسلگی‌ها نام دارد. پس از جمعه قالی‌شویان، برگزاری مراسم هفت ویژه نسلگی‌هاست. (nešlagi) معمولاً در سومین جمعه مهر ماه، اهالی روستای نسلگ یا نسلج به مشهد ارده‌ها می‌روند و مراسم هفت حضرت سلطانعلی بن امام محمدباقر (ع) را در کنار مرقد امامزاده برگزار می‌کنند. بنابر روایتی چون اجداد اهالی این روستا نتوانسته بودند به موقع به کمک و یاری حضرت سلطانعلی بروند و در مراسم خاکسپاری آن حضرت نیز نتوانسته بودند شرکت کنند، بنابراین یک هفته بعد از شهادت و خاکسپاری امامزاده در روز جمعه کنار آرامگاه آن حضرت رفتند و به سوگواری و عزاداری پرداختند. از آن زمان تاکنون هر ساله نسلگی‌ها به یاد آن روز در مراسم هفتمین روز شهادت

حضرت سلطانه‌علی علی(ع) شرکت می‌کنند (لازم به ذکر است این گروه حق دست گرفتن چوب و بر دوش کشیدن قالی را ندارند) و صبح زود برای زیارت و برگزاری مراسم هفت به مشهد اردهال می‌روند و در صحن امامزاده به عزاداری و سینه‌زنی می‌پردازند.

پس از مراسم هفته، تمام مراسم مربوط به شهادت امامزاده که از جمعه جار آغاز شده بود، به پایان می‌رسد و زائران، مسافران و فروشندگان بازار، مهیای رفتن می‌شوند و تا غروب جمعه، مشهد اردهال را ترک می‌کنند و پس از یک هفته، همه و رفت و آمد، مشهد اردهال آرام می‌شود و تا سال آینده و برگزاری مراسم ویژه قالی‌شوویان از این همه جمعیت و آمد و شد خبری نیست هرچند مرقد شریف امامزاده پذیرای زائران و دوستان خانان عصمت و طهارت است.

منابع

الف) کتاب

۱. بلوکباشی، علی (۱۳۸۰) قالی شویان؛ مناسک نمادین قالی شویی در مشهد اردهال، چ ۳، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
۲. روح‌الامینی، محمود (۱۳۸۷) آیین‌ها و جشن‌های کهن در ایران امروز، چ ۴، تهران: آگاه.

ب) اینترنت

www.ghiasabadi.com/galishuyan.html

